

چمن شماره ۲ آزادی

جدی ترین رقیب این روزهای پرسپولیس

زمین سفت!

پرسپولیس این روزها نه به حریفان که به زمین سفت زیر پای خودش می‌یازد. تمرینات تیم در زمین شماره ۲ ورزشگاه آزادی، به معضلی جدی برای سرخ‌پوشان تبدیل شده است؛ زمینی که سفتی بیش از اندازه‌اش حالا چندین بازیکن را روانه کلینیک کرده و آرامش کادر فنی را برهم زده. وحید هاشمیان روزهای سختی را پشت سر می‌گذارد. او هفته‌های قبل در تمرینات، بعضاًنیمی از ترکیب اصلی‌اش را در اختیار نداشت. دلیل این بحران نه فشار تمرینات بود و نه برخورد‌های سنگین در بازی‌ها؛ همه چیز از کیفیت زمین تمرین سرچشمه گرفته است. چمنی که به‌جای نرمی و انعطاف، بیشتر شبیه زمین آسفالت پرچاله است و حالا بدل به دشمنی نامرئی شده. نکته عجیب ماجرا آن است که پرسپولیس یکی از بهترین زمین‌های تمرینی تهران را در مجموعه شهید کاظمی در اختیار دارد؛ زمینی مجهز با امکانات مدرن و چمن استاندارد که سال‌ها محل اصلی تمرین سرخ‌پوشان بود اما از روزی که کارتال روی نیمکت تیم نشست، تصمیم گرفت تمرینات به آزادی منتقل شود. در نگاه اول، دلیل این تصمیم کاملاً ساده به‌نظر می‌رسید: ترافیک، رفت‌وآمد روزانه بازیکنان و اعضای کادرفنی به مجموعه شهید کاظمی که در جنوب شهر واقع شده، زمان‌بر و خسته‌کننده بود. بسیاری ترجیح دادند فاصله کوتاه‌و و مسیر خلوت‌تر آزادی را انتخاب کنند اما حالا، این انتخاب ساده، هزینه سنگینی برای تیم به دنبال داشته است. چمن خشک و کوبیده زمین شماره ۲ و قبلاً ۳، بافت پای بازیکنان را آزار می‌دهد و آسیب‌دیدی‌های عضلانی و مفصلی را افزایش داده. به گفته یکی از اعضای تیم، چند مصدوم اخیر هیچ برخوردی در تمرین نداشتند اما پس از دویین روی زمین سفت، با التهاب و درد از تمرین خارج شدند. پزشکان باشگاه نیز نسبت به ادامه تمرین در این شرایط هشدار داده‌اند. مشکل اما فقط فنی نیست؛ روحیه تیمی هم از این وضعیت آسیب دیده است. بازیکنانی که با انگیزه تمرین را آغاز می‌کنند، حالا با ترس از آسیب‌دیدی یا به زمین می‌گذارند. فشار روی هاشمیان افزایش یافته، چرا که در غیاب هاشمیه مهره کلیدی، برنامه‌های تاکتیکی‌اش نیمه‌کاره مانده است. مصدومیت‌ضا شکاری به خاطر افتادن درون یکی از همین چاله‌ها بود و حالا دیسک کمر موجب دوری‌اش از تمرین شده است. در میان اعضای مدیریت باشگاه، حالا زمرزمه‌هایی درباره بازگشت موقت به زمین شهید کاظمی تعیین‌کننده شده. برخی معتقدند بهتر است تمرین‌ها دست کم تا زمان ترمیم چمن آزادی به آنجا منتقل شود. این جبهه‌جایی هر چند، از نظر مسیر دشوار است اما به لحاظ فنی منطقی به نظر می‌رسد. هاشمیان هنوز تصمیم نهایی را اعلام نکرده اما بخوبی می‌داند ادامه تمرین در زمین فعلی می‌تواند فصل پرسپولیس را از همین نقطه به خطر بیندازد. از پیش‌تر نیز در جلسات داخلی از کیفیت زمین گلایه کرده و خواستار اصلاح فوری شرایط شده بود. در شرایطی که لیگ وارد مقطع حساس خود می‌شود و هر امتیاز می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت جدول باشد، مصدومیت‌های بی‌دری ناشی از یک زمین نامناسب، شاید بزرگ‌ترین رقیب پرسپولیس باشد. این بار نه تاکتیک‌ها، نه حریفان، بلکه زمین تمرین است که مقابل قرمزها ایستاده. شاید تنها تصمیم عاقلانه این باشد که پرسپولیس برای مدتی دوباره به خانه واقعی‌اش، ورزشگاه شهید کاظمی بازگردد؛ جایی که چمنش نرم‌تر است و خطرش کمتر، زیرا ادامه کار در زمین سخت آزادی ممکن است بهای سنگینی داشته باشد؛ بهایی به اندازه یک فصل از دست رفته.
ح در حال تیم فوتبال بانوان پرسپولیس در ورزشگاه شهید کاظمی تمرین می‌کند.

اخبار

ادعای رئیس فیفا مبنی بر حل مشکل سفر ملی پوشان ایران به آمریکا

رئیس فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) گفت: «هیچ تیمی برای سفر به آمریکا در جام جهانی ۲۰۲۶ مشکلی نخواهد داشت».
در حالی که دولت ایالات متحده در صدور ویزای اعضای هیات اعزامی فوتبال ایران برای حضور در مراسم قرعه‌کشی جام جهانی کارشکنی کرده اما جیانی اینفلتنتینو، رئیس فیفا دیروز(شنبه) اعلام کرد «هیچ مشکلی در رابطه با صدور ویزا برای تیم‌ها و هیات‌های شرکت‌کننده وجود نخواهد داشت».
جام جهانی یک رویداد کاملاً ورزشی زیر نظر فیفاست و دولت میزبان این تورنمنت حق مداخله در امور آن را ندارد؛ با این وجود هفته گذشته «سیدامیر مهدی علوی» سخنگوی فدراسیون فوتبال اعلام کرد دولت آمریکا برای امیر قلعهنویی، مهدی تاج و ۷ عضو دیگر هیات ایران تاکنون ویزا صادر نکرده تا در مراسم قرعه‌کشی جام جهانی ۲۰۲۶ شرکت کنند و فدراسیون در حال رایزنی با قیافرا برای حل این مشکل است. اما در چند روز گذشته اخباری در رسانه‌های خارجی منتشر شد که رئیس فیفا راه‌حل عجیب انتقال بازی‌های گروه ایران به مکزیک را پیشنهاد داده است.
حالا رئیس فیفا مدعی است «مذاکرات بسیار خوبی با دولت ایالات متحده در زمینه حل مشکل صدور ویزا انجام داده» و یک کار گروه با حضور ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا تشکیل داده تا به این موضوع رسیدگی کند. اینفلانتینو تاکید کرد با تمام تشکیلات مرتبط ایالات متحده برای صدور ویزا در رابطه است و هیچ مشکلی در این زمینه وجود نخواهد داشت و «خیلی زود خبرهای خوبی منتشر می‌شود».

■ ■ ■
تاریخ‌سازی دختر ایرانی با قهرمانی جهان
«علیه‌سادات حسینی» ملی‌پوش جوان پاراونه‌برداری بانوان کشورمان قهرمان جهان شد. به گزارش فارس، در دومین روز یازدهمین دوره رقابت‌های قهرمانی پاراونه‌برداری جهان در بخش جوانان، علیه‌سادات حسینی در دسته ۶۱ کیلوگرم به مصاف حریفان خود رفت. ورزشکار جوان کشورمان در حرکت اول و دوم خود موفق به مهار وزنه‌های ۸۵ و ۹۰ کیلوگرم شد. حسینی در حرکت سوم خود، از مهار وزنه ۹۴ کیلوگرم بازماند اما توانست مدال طلای جهان و عنوان قهرمانی مسابقات را از آن خود کند و تاریخ‌ساز شود. وی نخستین نشان طلای تاریخ پاراونه‌برداری بانوان ایران را به دست آورد.

وزنه‌برداران ایرانی بار دیگر بر بام جهان ایستادند. در حالی که هیچ یک از ملی‌پوشان موفق به کسب طلای مجموع نشدند اما تیم ملی ایران در رقابت‌های جهانی نرژو با امتیازاتی چشمگیر، تاج قهرمانی بر سر گذاشت. قهرمانی‌ای که نه با برق مدال‌های طلا، بلکه با انسجام، همدلی و ظهور چهره‌های تازه‌نفس به دست آمد. هدایت این تیم بر عهده بهداد سلیمی بوده؛ قهرمانی که روزی خود در همین میدان‌ها رکوردها را در هم شکسته بود و اکنون از کنار تخته با صلابتی پدرا نه شاگردانش را راهبری می‌کرد. ترکیب ۸ نفره او با پشتوانه افرادی نام‌آشنا همچون سجاد آتوشیریانی و حسین رضازاده، یادآور دوران طلایی وزنه‌برداری کشور بود. اما دانستان این قهرمانی فقط به تجربه‌ها محدود نمی‌شد. نسل جدیدی از قهرمانان در نرژو متولد شدند؛ جوانانی که چشم جهانپایان را خیره کردند. در میان آنان، علیرضا معینی در دسته ۹۴ کیلوگرم با درخشش در حرکات یک‌ضرب و دوضرب و کسب یک طلا و یک نقره، چهره روز مسابقات بود. اندکی بالاتر، علیرضا نصیری در دسته ۱۱۰ کیلوگرم با ۲ نقره دیگر، جایگاه ایران را تثبیت کرد و نامش را در دفتر آینده وزنه‌برداری ثبت نمود. آنان ۸ ستاره نوظهورند که بوی قهرمانی‌های بزرگ آینده، از حرکات‌شان به مشام می‌رسد.

در مقابل، شب پایانی مسابقات برای ایران چندان خوش‌بین نبود. همه نگاه‌ها به علی داوودی دوخته شده بود؛ وزنه‌برداری که سال‌هاست امید اصلی سنگین‌وزن‌ها محسوب می‌شود اما روز، روز او نبوده؛ بدنش یاری نکرد و با وجود تلاش بسیار، تنها برنز حرکت یک‌ضرب را به دست آورد. ناکامی داوودی البته از درخشش تیم چیزی کم نکرد، زیرا قهرمانی این بار نه بر شانه یک نفر که بر دوش یک تیم استوار بود.

با پایان مسابقات، جدول امتیازات نشان داد ایران با ۳۸۷ امتیاز صدرنشین است و پس از ۸ سال، دوباره نام خود را بالاتر از قدرت‌های بزرگ وزنه‌برداری جهان قرار داده است. آخرین بار سال ۲۰۱۷ در آمریکا چنین افتخاری رقم خورده بود؛ زمانی که خود سلیمی هنوز لباس تیم ملی را بر تن داشت. اکنون همان قهرمان از کنار تخته، به شاگردانش آموخته است چگونه با صبر، تمرکز و ایمان، سنگین‌ترین وزنه‌ها را از زمین جدا کنند. کارنامه این مسابقات چهرای روشن از آینده ارائه داد: عبدالله بیرانوند در ۷۹ کیلوگرم نهم شد، ایلیا صالحی پور در ۸۸ کیلوگرم ششم، معینی و عالیپور در ۹۴ کیلوگرم هر ۲ درخشان ظاهر شدند، نصیری نایب‌قهرمان شد و ابوالفضل زارع و آیت شریفی تجربه‌اندوزی کردند.

قهرمانی تازه پیمای روشن دارد: در ورزش ایران نسلی در حال رویش است که حتی بدون طلای مجموع، می‌تواند تیمی را بر قله جهان بنشاند. شاید مدال‌ها کمتر برق بزنند اما درخشش اتحاد، از هر طلایی ماندگارتر است.

غرش شیر جوان بر تخته

در سرمای نرژو، آنجا که مه بر زمین می‌نشیند و نور چراغ‌ها مثل نفس‌های بخارآلود در هوا می‌رقصد، جوانی از ایران پای بر تخته‌ای گذاشت که صدای آن در تاریخ وزنه‌برداری پیچیده علیرضا نصیری، پسر ۱۹ ساله و بلندپرواز وزن ۱۱۰ کیلوگرم، آمده بود تا سنگینی آهن را با اراده‌اش جابه‌جا کند، نه فقط برای مدال که برای اثبات خود و نسلی که دیگر به آسانی تسلیم نمی‌شود.

علیرضا نصیری، وزنه‌بردار ۱۹ ساله تیم ملی ایران، شامگاه پنجشنبه در رقابت‌های قهرمانی جهان خوش درخشید و با کسب ۳ مدال نقره، یکی در حرکت دوضرب و دیگری در مجموع، نه‌تنها عنوان نایب‌قهرمانی جهان را از آن خود کرد، بلکه ایران را امیدوار کرد یک رضازاده دیگر در حال پرورش است تا در سال‌های آینده برای کشورمان افتخارآفرینی‌های بیشتری کند. این جوان خوش‌آینه در دسته ۱۱۰ کیلوگرم، در حالی که در

حضور نصیری با پرچم حضرت اباالفضل ^(ع) روی تخته

درفش آزادی

حرکت یک‌ضرب از کسب مدال بازمانده بود، در دوضرب با مهار وزنه ۳۳۱ کیلوگرمی درخشید و رکورد جوانان جهان را شکست. مجموع رکورد ۴۱۵ کیلوگرم او نیز برایش مدال نقره دوم و عنوان نایب‌قهرمانی را به ارمغان آورد. نصیری پس از ثبت این موفقیت بزرگ، با پرچمی منقش به نام حضرت ابوالفضل العباس(ع) روی تخته رفت و صحنه‌ای معنوی و غرورآفرین خلق کرد. این اقدام نمادین، بازتاب گسترده‌ای در

تیم ملی وزنه‌برداری ایران پس از ۸ سال دوباره بر قله جهان ایستاد

ارباب وزنه‌ها



و رتبه یازدهم شده؛ تلاشی ارزشمند اما دور از سکو.

در سوی دیگر، اکبر ژورائف از یک، همان چهره پرهیاهو، وزنه ۱۹۶ کیلو را چون پر بلند کرد و رکورد دنیا را جابه‌جا کرد. مدال طلا برای او بود اما سالان، در انتظار اتفاقی دیگر بوده؛ اتفاقی از نوع ایرانی.

صعود در دوضرب

وقتی نوبت دوضرب رسید، نصیری دیگر آن جوان مردد آغاز نبود. گویی شکست‌های ابتدایی، انگیزه تازه‌ای در جانش دمیده بود. نخستین حرکتش با وزنه ۲۱۸ کیلوگرم بی‌نقص بوده؛ ضربه‌ای دقیق و پرصلابت. در دومین حرکت، وزنه ۲۲۴ کیلوگرمی را مهار کرد، آن هم در حالی که عضلاتش از فریاد می‌لرزیدند. نفس‌ها در سالن حبس شده؛ همه می‌دانستند او در حال نزدیک شدن به مرز رکورد جوانان جهان است.

سومین حرکت، لحظه سرنوشت بود. وزنه ۲۳۱ کیلوگرمی، رقمی که حتی در میان قهرمانان باسابقه، ترس می‌کرد. نصیری چند ثانیه چشمانش را بست و وقتی بازشان کرد، چهره‌اش آرام بود. صدای برخورد کفش‌هایش با تخته، لحظه‌ای سالن را ساکت کرد. او نفسش را حبس کرد، وزنه را بالا کشید، تعادلش را یافت و ناگهان فریاد زد. صدای سوت داور آمد: ۳ چراغ سفید. سالن منفجر شد. رکورد جوانان جهان شکست!

رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی داشت و بسیاری از علاقه‌مندان ورزش آن را نشانه‌ای از تعلق فرهنگی او دانستند. در حالی که تیم‌ملی وزنه‌برداری ایران با ترکیبی جوان و پراگرمی در رقابت‌های جهانی حضور یافته، درخشش نصیری را می‌توان نمادی از آغاز دورانی تازه در این رشته دانست؛ دورانی که قهرمانان نسل جدید با پشتکار و اعتقاد، پرچم ایران را بار دیگر در میادین جهانی برافراشته می‌کنند.

باخت دوباره تیم ملی فوتبال ایران این بار در خاک روسیه

دفاع بی دفاع

روند، تیم ملی را به سکون می‌کشاند اما گوش‌ها پر از تشویق مصنوعی بود. در جهانی که تیم‌ها بر پایه‌ابریزی جوانان نفس می‌کشند، ما هنوز دل به تجربه مردانی بسته‌ایم که دیگر نفس‌شان به شماره افتاده. هیچ خون تازه‌ای در رگ‌ها نیست، هیچ شور نوپایی در چمن دیده نمی‌شود. حتی اگر چند چهره تازه هم به اردو بیایند، در میان اینبوه سالخورده‌ها کم می‌شوند. نتیجه‌اش روشن است: تیمی فرسوده که در جام جهانی آینده، سنگین‌تر و کندتر خواهد بود.
تاکتیک‌های گمشده، هافبک‌های خاموش
در ساختار این تیم، مفهومی به نام «میان‌ه میدان» تقریباً منقرض شده است. توپ از مدافعان مستقیماً به مهاجمان می‌رسد؛ سفری بی‌واسطه که در آن هافبک‌ها تنها نظاره‌گرند. آن همم در حالی که فوتبال مدرن امروز بر محور میانه میدان می‌چرخد. تیمی که از میانه تهی شود، ناگزیر به هرچومرج پناه می‌برد. ارسال‌های بلند، پاس‌های اشتباه و بی‌اعتمادی درون زمین، تصویری از تیمی ساخت که پیش و بیش از رقبه، از خودشان شکست می‌خورد.
فرار از پاسخ
در روزهای پس از شکست، به جای واکاوی حقیقت،



۸ ماهه مانده به جام جهانی، تیمی که باید صلابت را تمرین کند، هنوز درگیر آزمون و خطاست. در حالی که دیگران به ظرفیت‌های تاکتیکی می‌پردازند، ما درگیر این پرسشیم: اصلاً چه کسی باید بازی کند؟!
وعده‌های جامانده

سرمربی‌مان، از روزی که بازگشت، نوید بازی هجومی و چشم‌نواز داد اما از آن وعده‌ها جز وژای‌بر دیوار باقی نمانده. زمان گذشت و هر چه گذشت، تیم ملی بیشتر به عقب رانده شد. برابر روسیه، تیمی که در ردمبندی جهانی پایین‌تر از ماست، شاگردانش بیشتر شبیه مسافران خسته بودند تا جنگجویان مشتاق.

برنامه ساده بود: دفاع و امید به ضدمحله‌ما حتی ضدمحله‌ها هم در نیمه‌راه مرزنده. هیچ تنوعی، هیچ خلاقیتی، هیچ طرحی

برای شکستن نظم روس‌ها وجود نداشت. وقتی تنها راه رسیدن به دروازه، شوت‌های بلند از خط دفاع باشد، دیگر نمی‌توان از فوتبال مدرن سخن گفت.

پیر شدن امید

مانگین سنی تیم ایران، اینک بیش از ۳۰ سال است؛ آماری خشک که معنایی تلخ دارد. تیمی که می‌خواست آینده را بسازد، مدت‌هاست در گذشته جا مانده. سال‌ها هشدار داده شد این

بحران مد بریت خط دفاع تیم ملی

فرمانده بی قطب‌نما

■ **رد خط‌ها بر برف روسیه**
گل نخست روس‌ها از همان جایی آمد که انتظارش می‌رفت. خط شکسته، ناهماهنگ در آف‌سایدگیری و مدافعی که چند لحظه دیرتر از زمان تصمیم گرفت. شجاع قدمی اشتباه برداشت، ابرقویی پوشش نداد و توپ بی‌رحمانه راه را خود را یافت. گل دوم نیز تکرار همان داستان بود، با کمی تفاوت؛ ضربه سری بی‌هدف به قلب زمین، بی‌توجهی هافبک دفاعی و شلیک دقیق، محاسبه‌شده و زیبایی بازیکن روس که همه را در سکوت فروبرد. می‌توان گفت شجاع، هم قهرمان بود و هم مقصر. در یک صحنه دروازه را نجات داد، در صحنه‌ای دیگر خودش راه را باز کرد. همین دوگانگی، سم پنهانی خط دفاع ایران است: مردانی که هم‌زمان می‌جنگند ولی می‌بازند.
قلعه‌نویی هنوز در پی زوج طلایی است؛ ترکیبی که بتواند ثبات را بازگرداند اما ازمون‌ها یکی پس از دیگری بی‌نتیجه می‌ماند. تیم ملی، به جای آنکه دیوار دفاعی بسازد، در حال حفری در همان دیوار است. مردانی که دروازه‌بانانش نیز به‌جای تکیه‌گاه، به اضطراب جمعی اامن می‌زنند. از بیرانوند گرفته

توجه‌ها آغاز شد. برخی گفتند بازیکنان مقصرند، برخی آمارهای فریبنده ردیف کردند و برخی دیگر هر انتقادی را «خصومت شخصی» نامیدند. این شیوه قدیمی فرار از مسؤولیت است؛ همان آفتی که سال‌هاست فوتبال ما را از درون می‌خورد.

وقتی مربی، به جای دیدن ضعف، پشت آمار پنهان می‌شود، یعنی بحران را جلودار کرده. وقتی رسانه‌ها از ترس محرومیت سکوت می‌کنند، یعنی شکست را پذیرفته‌اند و وقتی هواداران تنها با غر زدن آرام می‌گیرند، یعنی امید در مرز خاموشی است.

آینده نامعلوم

تیم ملی ایران امروز نه در حال پیشرفت که در حال چرخیدن در دایره‌ای بی‌پایان است. میان وعده‌های رنگ باخته، تاکتیک‌های ناقص و ترکیب‌هایی که هر هفته تغییر می‌کند، دیگر چیزی از اعتماد باقی نمانده.

آنچه نیاز است، نه بازیکن تازه که اندیشه تازه است؛ مربی‌ای که بداند فوتبال فقط دویین نیست، بلکه شناخت ریتم زمین است. باید بار دیگر از نو ساخت، با قلب‌هایی جوان، با شجاعت تجربه شکست، با ایمان به نسل آینده. تا آن روز، هر مسابقه تنها یادآور یک حقیقت تلخ است: ما هنوز راه خود را پیدا نکرده‌ایم.

تا نیازمند و حسینی و دیگران، هیچ کدام به یقین نرسیده‌اند. فوتبال مدرن اما جایی برای آزمون‌های بی‌پایان نیست. زمان، دشمن تیم‌هایی است که نمی‌خواهند تصمیم بگیرند. هر بار که ترکیب عوض می‌شود، اعتماد فرومی‌ریزد و با هر شکست، تیم پیرتر می‌شود. آنچه امروز فوتبال ایران از آن رخ می‌برد، فقط ضعف فنی نیست؛ بحران مدیریت بازی است. درون زمین، صلابتی نیست که نظم بدهد. بیرون زمین، تفکری نیست که از تجربه، راه بسازد. شجاع قرار بود مدیر تیم در زمین باشد اما شیوه مدیریتش از نوع سکوت است؛ سکوتی که با فریادهای بی‌نظم جبران می‌شود. اگر فوتبال جنگی بی‌پایان است، ما اکنون تیمی داریم بدون فرمانده. هر مدافع راه خود را می‌رود، هر اشتباه، تکرار می‌شود و هر گل خورده، مقدمه گل بعد است. در پایان، شاید شکست در ولوگ‌گرد تنها یک باخت در بازی‌ای تدارکاتی بود اما در دل آن، نشانه‌های بسیاری پنهان بود: تیمی که مدیریت بازی را کم کرده و فرمانده‌ای که دیگر نمی‌داند از کدام سو باید پیش برود.